

ستم بر زن موقوف! به پیشواز روز جهانی زن برویم

آزادی انسان در جامعه است. سازمان آزادی زن برای حاکم کردن این سیاستها بر جنبش مدافع حقوق زنان در جامعه تلاش می‌کند. ما معتقدیم که نیروهای متعدد خواهان حقوق برابر زن و مرد در جامعه باید به گرد شعار "ستم بر زن موقوف" جمع شوند. خواست برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است، باید در محور مطالبات جامعه در این روز قرار گیرد

حکومت مذهبی باعث و بانی شدیدترین ستمها بر زنان در جامعه است. هر گونه سازش و مصالحه با این رژیم زن ستیز از نقطه نظر ما قویا محکوم است. هر گونه توسل به "آخوند میانه رو" برای پیشبرد مطالبات زنان یک سیاست ارتجاعی و شکست خورده است. هر گونه تقسیم کردن اسلام به خوب و بد سیاستی عمیقا ضد زن و ارتجاعی است.

ما از تمامی فعالین جنبش آزادی زن، از تمامی نیروهای سوسیالیست و برابری طلب و از فعالین کارگری می‌خواهیم که به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن بروند.

**مرگ بر آپارتاید جنسی!
زنده باد آزادی بدون قید و شرط زن و مرد!
حجاب نه!
ستم بر زن موقوف!**

سازمان آزادی زن

۴ ژانویه ۲۰۰۷

به نفس نابرابری در جامعه تعرض کرد. نفس بی حقوقی و ستم بر زن همواره مورد تعرض جنبش های مدافع حقوق زنان، سوسیالیستهای کارگری و انسانهای برابری طلب در جامعه بوده است. ۸ مارس به اعتبار تعرض این جنبشها به روز جهانی زن تبدیل شد.

باید به استقبال ۸ مارس رفت! ۸ مارس روز جهانی زن است. روز اعتراض بشریت متمدن و آزادیخواه به ستم بر زن است. روز تلاش برای پایان بخشیدن به این نابرابری عظیم و ضد انسانی در جامعه است.

امسال در حالی به استقبال ۸ مارس، روز جهانی زن، در ایران می رویم که بروزات متعدد جنبش آزادی زن در سال گذشته مهر خود را بر بخشی از اعتراضات جامعه کوبید. اما این کافی نیست. این جنبش باید همگانی شود. باید تعرضی‌تر در صحنه سیاسی جامعه ابراز وجود کند. جامعه باید در ۸ مارس شاهد یک تحرک گسترده در مبارزه برای آزادی زن و برابری بی قید و شرط زن و مرد در جامعه باشد. ۸ مارس باید به یک روز اعتراض به زن ستیزی بی حد و حصر حکومت اسلامی تبدیل شود. روز نه به حجاب. روز نه به آپارتاید جنسی. روز نه به مردسالاری. روز نه به تمامی قوانین زن ستیز. آزادی زن یک شخص

تبعیض و ستم علیه زنان یک مشخصه و ویژگی کتیف دنیای امروز است. زنان در اکثر جوامع در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی تحت ستم قرار دارند و نابرابرند. زنان حتی از همان حقوق محقر و ناچیز مردان هم برخوردار نیستند. حتی در جوامع مدرن و پیشرفته‌تر، نابرابری زن و مرد یک رکن نظام سیاسی حاکم است.

اما ستم بر زنان در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده‌تر و در جوامع مذهب زده و اسلامی به آشکارترین و زمخت‌ترین اشکال ضد انسانی، خودنمایی می‌کند. مرد سالاری و بی‌حقوقی زن در این جوامع بیداد می‌کند. آپارتاید جنسی، تقسیم جامعه به زن و مرد، تمهیل حجاب بر زنان، تبعیض جنسی آشکار، تحقیر، توهین و خشونت هرروزه به حرمت و شان زن، یکی از ارکان پایه‌ای این نظامها است. امروز جوامع سرمایه داری تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی جوامع موجود تبدیل کرده است. بقای عقاید و آراء ضد زن، تداوم تعصب و مردسالاری، تبعیض بر مبنای جنسیت ریشه در مناسبات نابرابر و طبقاتی در جوامع کنونی دارد. برای نابودی ریشه‌ای ستم بر زن در عین حال باید



پروین کابلی

همانند بسیاری از سیاست های ضد انسانی رژیم در هم شکست و به عقب رانند

اما نشریه این هفته! نشریه قرار شد عمدتا به بحثی اختصاص یابد که در شماره گذشته در سخن سردبیر داشتیم. از تعدادی از دوستانی که به عنوان موافق و مخالف با بحث من صحبت داشتند خواستیم که در میزگردی شرکت کنند. این میزگرد میسر نشد. دلیل اصلی آن را باید به گردن تعطیلات سال نو در اروپا انداخت. در نتیجه بزودی ضمیمه ای تنظیم خواهیم کرد و مباحث رسیده را منتشر خواهیم نمود. در این شماره توجه همگی را به ویژه به ادامه مصاحبه با آذر ماجدی در مورد جنبش زنان و همچنین به مصاحبه مهین علی پور از شورای مرکزی ساز در سوئد با یکی از روزنامه های پرتیراژ سوئدی جلب میکنم. شهلا نوری گزارشی از مرکز خبری دارد و دیگر اینکه از این شماره با انتشار اطلاعیه سازمان آزادی زن در مورد ۸ مارس و تراکت سخنرانی آذر ماجدی در شبکه اینترنتی پالتاک به پیشواز ۸ مارس می‌رویم.

یادداشت سردبیر

قبل از تنظیم نهائی نشریه سری به سایت های داخل ایران زدم. دو خبر قبل از همه توجه من را جلب نمود. ارجاع دوباره پرونده کبری و شهلا به دادگاه و دیگر خبر ثبت رسمی سایت های داخل ایران.

شهلا و کبری دو زنی هستند که سرنوشتشان هرکدام به نوعی بازتاب ستم و بی حقوقی ای است که روزمره با پشتوانه قانون و سنت حاکم در ایران بر زنان اعمال میشود. اینگونه زنان کم نیستند. هر روز صدها کبری و شهلا و عاتفه، قربانی نظام آپارتاید جنسی ای میشوند که در ایران حاکم است. کیس شهلا و کبری نه تنها کیسی بر علیه کلیت یک نظام سراپا جنایتکار است بلکه در عین حال نشان از این است که انسان امروز هرکجا که باشد در مقابل بی حقوقی خواهد ایستاد. جنبش دفاع از انسان تا کنون توانسته است هزاران انسان را در سراسر دنیا در دفاع از شهلا و کبری و افسانه و عاتفه بسیج کند.

ثبت رسمی وب لاگ ها و سایت ها در ایران، یعنی تلاش برای بستن سایت های است که امروز هرکدام به نوعی در مورد سرکوب، ارعاب و نقض حقوق بشر در ایران صحبت میکنند جمهوری اسلامی بار دیگر با این حمله تلاش میکند که آزادی بیانی که امروز بسیاری از جوانان به یمن دسترسی به اینترنت بدست آورده اند را از بین ببرد. باید این تلاش را

زنده باد آزادی، زنده باد برابری



آنر ماجدی

گفتگوی پروین کابلی و آنر ماجدی سازماندهی جنبش آزادی زن کلید پیشروی!

پروین کابلی: شما به هژمونی یک گرایش رادیکال در جنبش برابری طلب زنان اشاره میکنید. بنظر میرسد که منظور شما تأمین هژمونی سازمان آزادی زن بر این جنبش باشد. سوالی که برای من پیش می آید این است که چه فاکتورهایی میتواند این خواست مورد نظر شما را تأمین کند و آیا سازمان آزادی زن تنها سازمانی است که میتواند این امر را تأمین کند؟ اگر اینطور هست چرا؟ آیا از دهها فعال دفاع از حقوق زن در ایران و در خارج، کسی یا جریانی نیست که به اهداف سازمان آزادی زن نزدیک باشد؟ اگر هست چرا شما با آنها فعالیت نمیکنید؟

آنر ماجدی: اول به بخش دوم سوال تان پاسخ میدهم. همانگونه که در پاسخ به سوالات قبل توضیح دادم، جنبش دفاع از حقوق زن دارای گرایشهای متفاوت است. گرایش رادیکال در میان این جنبش قوی است و قطعاً فعالین بسیاری هستند که با ما و اهداف سازمان آزادی زن نزدیک اند. یکی از اهداف اصلی فعالیت ما جلب این فعالین به سازمان آزادی زن است. ما تلاش میکنیم که به محور تجمع کلیه فعالین و رهبران عملی این گرایش تبدیل شویم. این یکی از آن مولفه های اصلی فعالیت سازماندهی ما در داخل کشور است. پلاتفرم فعالیت ما در داخل کشور بر این محور بنا گذاشته شده است. و باید اذعان کنم که در این عرصه موفقیتی هایی داشته ایم که باعث خوشحالی بسیار است. توصیه میکنم در این رابطه با نسرین رمضانعلی دبیر کمیته سازماندهی سازمان مصاحبه کنید.

و اما آیا تشکلات و سازمان هایی نزدیک به اهداف ما وجود دارند؟ در ایران هم اکنون تشکلات و کانون های بسیاری تشکیل شده است که در عرصه دفاع از حقوق زن فعالیت میکنند. در یک نگاه تشخیص گرایش سیاسی - اجتماعی آنها ممکن نیست. لذا باید تلاش کرد که آنها را

شناخت. ما تلاش میکنیم که به این تشکلات نزدیک شویم. با آنها همکاری کنیم و میان خود و آنها هماهنگی و نزدیکی بیشتری ایجاد کنیم. برخی بر این نظرند که هر تشکل و سازمانی که در داخل تشکیل شده و فعالیت میکند، سازشکار و راست است. من با این بینش اختلاف جدی دارم. باید محدودیت های فعالیت در داخل کشور را شناخت. باید با این سازمانها دیالوگ ایجاد کرد تا اهداف آنها را بهتر شناخت. بعلاوه زنان بسیاری به این تشکلات جلب میشوند، نمیتوان صرفاً آنها را تحریم کرد. باید به فعالین این تشکلات نشان داد که آزادی بی قید و شرط و برابری کامل و واقعی حق مسلم زنان است و باید برای آن مبارزه کرد و هیچگونه منفعت سیاسی، ملی، مذهبی یا عقیدتی نباید مانعی در این راه ایجاد کند. درهای سازمان آزادی زن به روی هر کسی که میخواهد برای حقوق زنان مبارزه کند، باز است. ما هیچگونه محدودیت سیاسی، عقیدتی، مذهبی یا ایدئولوژیک برای پیوستن به سازمان آزادی زن قرار نداده ایم. هر چند که روشن است رهبری سازمان آزادی زن به جنبش کمونیسم کاریگری تعلق دارد و همین تعلق است که از آنها مبارزین پیگیر، سازش ناپذیر و میلیتانت آزادیزن ساخته است. امری که ما به آن افتخار میکنیم. ما در کنفرانس سالیانه سازمان پلاتفرمی را تصویب کردیم که بر مبنای آن طی سال آینده سازمان آزادی زن را به بستر اصلی جنبش آزادی زن بدل کنیم. فعالین رادیکال جنبش دفاع از حقوق زن را به خود جلب کنیم و در زیر چتر

سازمان گرد آوریم. باید تلاش کنیم که اکثر رهبران عملی این جنبش رابطه نزدیک و تنگاتنگی با سازمان داشته باشند. بعلاوه سازمان آزادی زن باید به ستم آزادی زن و مقاومت رادیکال و سازش ناپذیر زنان در جامعه بدل شود. این هدف اصلی ماست و باید با تمام قوا و تمرکز انرژی به آن دست یابیم. تاکنون دستاوردهایی داشته ایم ولی بنظر من ناکافی است. بخش مهمی از جامعه سازمان آزادی زن را می شناسند و به آن احترام میگذارند. این دستاورد مهمی است. ما یک کمپین مهم برای شناسایی سازمان آزادی زن سازمان داده ایم. برنامه های تلویزیونی، سایت، نشریات و ادبیات المللی و نشریات و ادبیات دیگر توانسته اند سازمان را در ایران به چهره ای کم و بیش آشنا بدل کنند. درگیری و دخالت فعال ما در جنبش در داخل کشور و در جنبش اعتراضی نقش مهمی در این جهت دارد. 16 آذر یک تجربه بسیار مهم و موفق ما بود. ما از مدتی پیش بر مبنای یک پلاتفرم روشن برای این روز تدارک دیدیم. تماس دائم با فعالین در ایران را سازمان دادیم. در این فعالیت ارتباط مان با فعالین جنبش آزادی زن نیز گسترش یافت. ما توانستیم در 16 آذر نقش فعال و مهمی سازمان توانست با یک فعالیت فشرده و متمرکز مهر خود را بر 16 آذر بکوبد. این تجربه راه را برای برگزاری یک 8 مارس موفق، گسترده و رادیکال مهیا کرد.

8 مارس یک واقعه مهم است و جایگاه بسیار برجسته ای در جنبش آزادی

زن دارد. ما مدتی است برای آن آماده شده ایم و امیدوارم بتوانیم موفق شویم. تماس نزدیک با فعالین و رهبران عملی این جنبش یکی دیگر از کارهای روتین ماست که تلاش میکنیم آن را گسترش دهیم. ارتباطات ما بسیار وسیع است. با بخش موثری از فعالین جنبش آزادی زن در ارتباط هستیم. مساله اکنون سازمان سازی است. ما باید بتوانیم این ارتباط ها را به یک موجودیت متشکل در ارتباط با سازمان آزادی زن تبدیل کنیم. سازمان آزادی زن باید در جنبش آزادی زن در ایران به یک موجودیت سازمان یافته بدل شود. این مهمترین مصافی است که در مقابل ما قرار گرفته است. باید راه های تحقق این امر را بیابیم و با تمام انرژی دست بکار آن شویم. فعالیت های بین المللی فعالین سازمان آزادی زن نیز نقش بسیار مهمی در شناساندن آن و جلب اعتماد و نزدیکی مردم با سازمان آزادی زن دارد. این وجه از فعالیت ما بدون توقف به پیش میرود. در چند سال اخیر سازمان آزادی زن در بسیاری از کنفرانس ها و کمپین های بین المللی نقش فعال و بعضاً مبتکر داشته است. در میان جنبش دفاع از حقوق زن، لائیک و علیه اسلام سیاسی و چپ، نام سازمان آزادی زن نام آشنایی است. اخیرترین فعالیت ما شرکت در کنفرانس بین المللی در دوسلدرف، که به این مصاحبه انجامید، یک موفقیت بزرگ بود که در ایران هم منعکس شد. عقب نشانیدن دادگاه های شریعه یک موفقیت بزرگ بین المللی برای جنبش ما، سازمان آزادی زن و به ویژه

هما ارجمند مبتکر و سخنگوی اصلی این کمپین و عضو رهبری سازمان بود، که در ایران انعکاس بسیار گسترده ای داشت. این فعالیت ها همانطور که گفتیم یک وجه دائمی فعالیت های سازمان است. در ماه فوریه در فرانسه یک کنفرانس بین المللی دو روزه برای سازماندهی یک جنبش جهانی لائیک (سکولار) برگزار میشود که من بعنوان یکی از سخنرانان در آن شرکت میکنم. باید بگویم که راه پر تشبیب و فرازی در مقابل ماست. امر سازماندهی جنبش آزادی زن امر پیچیده ای است. اساساً امر سازماندهی یکی از نقاط ضعف جنبش ماست. هم به دلیل شرایط جامعه ایران و اختناق و سرکوب گسترده حاکم و هم به خاطر ضعف های خود ما. باید بر این ضعف فائق آئیم. باید هدفمند و با برنامه و پر انرژی به پیش برویم. تنها در این صورت است که قادر خواهیم شد مهر جنبش خود را بر جنبش آزادی زن بکوبیم و فعالین و رهبران عملی آن را در سازمان خود گرد آوریم. در چنین صورتی در یک شرایط سیاسی متفاوت در جامعه سریعاً سازمان آزادی زن به یک سازمان توده ای بدل میشود و میتواند نقش مهمی در معادلات سیاسی در جامعه بازی کند. جنبش آزادی زن در ایران فقط در شرایطی به خواست های خود نائل میشود که در چنین سازمان قوی، متشکل و با افق چنین روشن و رادیکال گرد آمده باشد. من از این فرصت استفاده میکنم و از کلیه فعالین و هواداران آزادی زن دعوت میکنم که به سازمان آزادی زن بپیوندند.

برای مهین آنتیسم یعنی آزادی

مقاله و مصاحبه با مهین علی پور توسط روزنامه صبح سوند
سونسکا داگ بلادت



FOTO: GUNNAR LUNDMARK

مهین علیپور

حجاب انتخاب خودشان است. مهین علیپور حدود 16 سال پیش با دلایل سیاسی به سوئد آمد. دارای تحصیلات دانشگاهی هم از ایران و هم از سوئد است. او به عنوان شیمیست در یک کارخانه کار می‌کند. بیشتر اوقات فراغت خود را صرف کار با دو تشکل، کمپین دفاع از حقوق زنان ایرانی در سوئد و سازمان آزادی زن در سطح بین المللی می‌کند. او در استکهلم زندگی می‌کند و از 4 فرزند وی فقط کوچکترین آنها با وی زندگی می‌کند. دختر بزرگ وی در لندن به عنوان حقوقدان کار می‌کند و پسرانش در سوئد به دانشگاه می‌روند. مهین می‌گوید، وقتی ادیان از یک دنیای دیگر حرف می‌زنند مردم را فریب می‌دهند. من معتقدم انسان یکبار زندگی می‌کند. برای همین برای من بسیار مهم است که کودکان بتوانند درست تحصیل کنند و از امکانات کافی برخوردار شوند. پدر و مادر مهین تحصیلات دانشگاهی نداشته اند. پدر وی یک کارگر بود و مادرش تحصیلات بالایی نداشت. مهین پدر را در کودکی از دست داد. علیرغم اینها ارزشگذاری پدر و مادر برای زندگی، بسیار مدرن و آگاهانه بود. وقتی بحث به دوران کودکی وی می‌رسد وی بارها تکرار می‌کند که

فرهنگ غربی بود. قبل از به قدرت رسیدن اسلام سیاسی، ایران یکی از مدرن ترین کشورهای منطقه بود. شاه سابق کشور را تا حدودی مدرنیزه کرده بود تا بتواند از نیروی زنان به مثابه کارکنان ارزان در نوعی رژیم سرمایه داری غیروابسته استفاده کند. خواهران بزرگتر مهین هم شاغل بودند. او در رشته مهندسی امور طبیعی در دانشگاه اهواز تحصیل کرد. وی در کنار تحصیل در یک گروه سیاسی چپ فعال بود. این گروه برای از بین بردن فاصله طبقاتی مبارزه می‌کرد. سال 1979 رژیم شاه سقوط کرد و آیت‌الله خمینی توانست انقلاب را صاحب شود و جمهوری اسلامی را در ایران پایه بگذارد. مقرر شد قوانین مذهبی شریعه تحت کنترل ملاحا به اجرا گذاشته شود. پروسه اسلامی شدن در جامعه شروع شد. به قول مهین بسیاری از استادان دانشگاه‌ها اخراج شدند و بین دانشجویان نیز پاکسازی وسیعی صورت گرفت. یکدفعه رشته تحصیلی من مردانه اعلام شد و به ما زنان اجازه کار در این رشته داده نشد. بسیار سخت بود که شخص، بیکار در خانه بماند و نتواند از تحصیلات خود استفاده کند. بعد از مدتی یک آگهی کار، که در روزنامه‌ای دولتی درج شده بود، در رشته تحصیلی من متقاضی می‌خواست. در پایین این آگهی با خطی ریز نوشته شده بود که در صورت کمبود متقاضیان مرد شاید در شرایط مناسب از متقاضی زن استفاده شود. من (مهین علیپور) متقاضی این کار شده و پذیرفته شدم. بسیار هیجان انگیز بود که کار را به من دادند ولی شرایط و طریق استخدام خود را هرگز فراموش نمی‌کنم. رئیس مربوطه یک برگه قرارداد به من داد و من هم خودکار خود را در آوردم تا امضاء کنم که

نگاهان وی من را از این کار منع کرد و گفت که این نامه متعلق به همسر من است. نامه اجازه کار برای من بود که همسر من باید امضاء می‌کرد. این عمل چنان تحقیر آمیز بود که تمام راه تا خانه را گریستم. اینکه مهین این کار را گرفت به این معنی نبود که مثل همکاران مرد با وی برخورد می‌شد. مهین نه تنها باید موی سر خود را با روسری مخفی می‌کرد بلکه باید یک چادر سیاه هم روی خود می‌کشید. او اجازه نداشت برای ماموریت‌های خود رانندگی کند و به جلسات مهندسی دعوت نمی‌شد. اگر رئیسش می‌خواست با او حرف بزند برای اینکه در چشمان مهین نگاه نکند تمام مدت نگاهش در سقف اطاق بود. مهین می‌گوید، بسیار تحقیر آمیز بود که با وجودیکه تحصیلات مساوی با بقیه داشتم ولی برای رئیس و تعدادی از همکاران یک جنس و زن بودم. در بسیاری از موارد تحمل این وضعیت دشوار بود. در خانه هم وضع بهتر از این نبود. در 23 سالگی ازدواج می‌کند و صاحب سه بچه می‌شود. همسرش را خود انتخاب می‌کند ولی به قول وی در هیچ ازدواجی تضمین صد در صد برای ادامه همیشگی نیست. بعد از چند سالی احساس کرد که این رابطه باید تمام شود. مهین طلاق می‌خواست ولی همسرش حتی نمی‌خواست حرفش را بزند. اگر مهین او را ترک می‌کرد بچه‌ها را از دست می‌داد. مهین می‌گوید، اگر در ایران و این رابطه مانده بودم الان زنده نبودم. در کنار مشکلات سیاسی و فشار آپارتاید جنسی، ازدواج ناموفق عامل مهم دیگر برای ترک ایران بود. مهین آینده‌ای برای خود در ایران نمی‌دید.

ادامه در صفحه ۵

به سازمان آزادی زن پیوندید

مطالب خواندنی در وبلاگ خبری سازمان آزادی زن

اگر یک خانم ایرانی بدون حجاب در خیابان ظاهر شود تا زیر ۹۰ روز زندانی دارد و زندان زیر ۹۰ روز هم به مبلغ روزی ۵۰۰۰ تومان قابل خریداری است. حالا اگر با هماهنگی قبلی تعداد زیادی از زنان ما بدون حجاب در خیابان ظاهر شوند چطور می شود؟ فووش یک جریمه ی نقدی. بلاخره باید این حرکت را از جایی شروع کنیم. دیگه دوران شعار و مقاله و ... سر اومده. آدم باید مایه بشود. شهلا ی عزیز خلی دوست دارم نظر شما را راجع به این مسئله بدونم

شما هم به پخش خبری سازمان آزادی زن سر بزنید و نظرات خود را درج کنید

www.wlsaz.blogfacom

سال خوبی را برای همه شما آرزو می کنم شهلا نوری: مسئول وبلاگ

رو خواستید. در مورد مطلبی تحقیقی که به خشونت علیه زنان در دورانهای مختلف زندگی زناشویی می پردازد، ۱۳ نظر درج شده که من به دو تا از خواندنی ترین آنها اشاره می کنم. به یک معنای مشخص میشود گفت ازدواج تجویز روسپیگری فرهنگی است. در واقع گونه ای از روسپیگری است که در آن هر دو طرف رابطه، عذاب گناهی که مرتکب می شوند را، به بهانه مشروعیت عمل خود درست مثل قصاصی که دولت می کند، نمی فهمند.

می خواستم بگم خود خانم ها هم این وسط مقصرند. اونا دیگه عادت کرده اند که خودشون کمتر از مردها حساب کنند. در حال حاضر نصف بیشتر ایران را زنان و دختران تشکیل داده اند که متاسفانه همگی را وادار کرده اند به طرز مضحکی در گونی زندگی کنند.

طی دو ماه گذشته که این وبلاگ کار خود را شروع کرده است. گذشته از اخبار مربوط به سازمان آزادی زن مطالبی از جنبش زنان و جنبش دانشجویی را درج کردیم و نظرات جالبی نیز از دوستان بازدید کننده دریافت کردیم. در اینجا به رئوس چند مطلب و نظرات بازدید کنندگان اشاراتی میکنیم تا خوانندگان نشریه نیز از آنها مطلع گردند.

در مطلبی تحت عنوان: **تجمع عده ای از دانشجویان در دانشگاه تهران که گزارش کاملی است از آنچه در روز ۱۵ آذر در دانشگاه تهران رخ داده همراه با عکسهای از این مراسم سرخ بود، دوستی چنین می نویسد: کنار زدن ابرهای سیاهی آسان است. باد این کار را می کند. اما نقاب داران رگبار و تگرگ را چه کنیم؟**

در مطلبی با عنوان **پخش فیلم های خصوصی افراد در ایران قاضی مرتضوی ماموریت رسیدگی به این پرونده ها را به عهده گرفته است. دوستی به نام اشکان چنین می گوید: سعید مرتضوی خود قاتل مردم ایران است، چگونه می خواهد به این پرونده ها رسیدگی کند.**

پرسیا کاکاییی مطلب تحت عنوان **تجاوز زناشویی** نوشته بود که در این صفحه درج شد. در بخش نظرات به تعدادی نظر بر می خوریم که جالبیت آنها از نظر من مطلب ذیل می باشد.

سلام عزیز... راستش من در حال حاضر هیچ رغبتی به مسائل روز ندارم در حالی که خودم زمانی در بسیاری از قیلدهای مربوط به زن و جامعه فعالیت داشته ام ولی حالا ترجیح می دم که در کنار وظائف مادری خودم گوشه ای اتاقم بنشینم و فقط کتاب بخونم. همین... در حال ممنونم که ازم این

برای مهین آنتیسم یعنی ... از صفحه ۳

مهین علیپور راجع به موضوعات زیر چنین میگوید:

خدا بطور یقین خدائی نیست. من این را می فهمم که زمانی دانش انسان برای سوالات پیرامون طبیعت، پیدایش انسان و دنیا کافی نبود. ولی بعدا انسان جواب این سوالات را یافت و باید دیگر جوابی به نام خدا وجود نداشته باشد. دلیل اینکه هنوز ادیان وجود دارند این است که قدرتها و افرادی از این موضوع بهره های زیادی می برند.

ماه رمضان من نه تنها مسلمان نیستم که این مراسم را اجرا کنم بلکه از خود این عمل بدم می آید. در این ماه آدمها چند ساعت غذا نمی خورند و بعدا طی چند ساعت پرخوری می کنند. به نظر من این توهین بزرگی به کودکان گرسنه در آفریقا و همه دنیا است.

مبارزات زنان وقتی به سوئد آمدم به خودم قول دادم که در اینجا هم برای رهائی زنان مبارزه کنم. قسمت اعظم اوقات فراغت من از طریق فعالیت در انجمنی به نام کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران و همچنین در سازمان آزادی زن صرف اینکار می شود. هر نوع تبعیض علیه زنان به نام دین به معنی زیر پا گذاشتن حقوق تمامی انسانها است.

مصاحبه کننده و نویسنده
Anna Lagerblad

از روزنامه

Svenska Dagbladet
سوئد

ادامه

مهین به سوئد آمد. دو سال بعد این ازدواج از هم پاشید. مهین توانست با حمایت قوانین سوئد طلاق بگیرد و زندگی تازه ای را شروع کند. برای من آنتیسم یعنی آزاد شدن انسان برای اینکه خود بتواند تصمیم بگیرد، دنبال خواسته خود برود، هر که را می خواهد دوست داشته باشد، فرزند خود را همانطور که می خواهد تربیت کند و برای جسم خود تصمیم بگیرد.

برای من زمانیکه به سوئد آمدم و از شر قوانین اسلامی در ایران راحت شدم نوعی بازگشت دوباره به زندگی بود. کشور دوم وی اصولا جزو جوامع سکولار به حساب می آید. بعد از سالها مورد ستم قرار گرفتن در آپارتمان جنسی ایران، مهین در اینجا هم علیه تمامی سازشها با دین و تحمیل فرهنگ و نرمهای مذهبی به مردم به شدت برخورد می کند. وی معتقد است که تا زمانی که دین مسئله ای خصوصی است باید به آن احترام گذاشت. ولی او مخالف مدارس اسلامی است و فکر می کند که تشکلهای مذهبی نباید حمایت مالی شوند. به بچه ها نباید سنتهای مذهبی مثل حجاب، روزه و یا رفتن به کلیساها تحمیل شود.

مهین میگوید، چند وقت پیش می خواستند پسر ۵ ساله ام را از مهد کودک به کلیسا ببرند. من به آنها گفتم که من با بردن پسر من موافق نیستم. یکی از مسئولین گفت که اگر همه بروند و او نرود ناراحت خواهد شد و من در جواب گفتم زمانیکه بزرگتر و انسان رادیکالی شود از این که او را بدون موافقت وی به آنجا بردند بیشتر از این ناراحت خواهد شد. بچه ها باید فارق از این سنتهای مذهبی باشند و بسازی کنند.

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سر دبیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 02

دستیاران سر دبیر
نیاز قانندی اسماعیل اوجی